





اما عدم تقیید صدر روایت به عصر حضور، نیز صحیح نیست؛ زیرا تقیید ذیل روایت و حکم به ارجاء به زمان حضور امام دلالت بر این دارد که هر آنچه تا کنون بیان شده نیز مختص به همان شرایط است و یا اینکه احتمال آن، موجب اجمال روایت می شود و نمی توان به صرف عدم ذکر این قید در فقرات سابقه، نسبت فقرات سابقه اطلاق گرفت.

بله پس از بیان مرجح اول اگر راوی سوال را ادامه نمی داد، امام دیگر مرجحات را بیان نمی کردند ولی به احتمال قوی قید به زمان حضور را متذکر می شدند تا راوی به اشتباه از این روایت اطلاق در ترجیح را نفهمد؛ زیرا هر چند که راوی در عصر حضور بوده ولی اگر جواب امام مقید به زمان حضور نباشد، دلیل مطلق بوده و در زمان غیبت نیز می توان بدان تمسک نمود

مضمون روایت این است که: ۱

راوی سوال از اختلاف قضات می پرسد « فَإِنْ كَانَ كُلُّ رَجُلٍ اخْتَارَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَرَضِيَا أَنْ يَكُونَا النَّاطِرَيْنِ فِي حَقِّهِمَا وَ اخْتَلَفَا فِيمَا حَكَمَا وَ كِلَاهُمَا اخْتَلَفَا فِي حَدِيثِكُمْ - قَالَ الْحَكَمُ مَا حَكَمَ بِهِ أَعْدَلُهُمَا وَ أَفْقَهُهُمَا وَ أَصْدَقُهُمَا فِي الْحَدِيثِ وَ أَوْرَعُهُمَا وَ لَا يَلْتَفِتْ إِلَى مَا يَحْكُمُ بِهِ الْآخَرُ »

تا این قسمت ترجیح به صفات راوی در فرض تعارض بیان شده است و راوی در ادامه می پرسد که اگر روات از این حیث مساوی بودند چه باید کرد «قَالَ قُلْتُ فَإِنَّهُمَا عَدْلَانِ مَرْضِيَّانِ عِنْدَ أَصْحَابِنَا لَا يُفْضَلُ وَاحِدٌ مِنْهُمَا عَلَى الْآخَرِ قَالَ فَقَالَ يُنْظَرُ إِلَى مَا كَانَ مِنْ رَوَايَتِهِمْ عَنَّا فِي ذَلِكَ الَّذِي حَكَمَّا بِهِ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِكَ فَيُؤْخَذُ بِهِ مِنْ حُكْمِنَا وَيَتْرَكُ الشَّاذُّ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ» امام در فرض تساوی روات ترجیح به شهرت را بیان نمودن و آن را به قطعی بودن تعلیل نمودند فَإِنَّ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ لَا رَيْبَ فِيهِ» سپس امام به روایت از رسول خدا تمسک می کنند و آن اینگونه استفاده می کنند که تمسک به خبر

مشهور مصداق بین الرشید است و إِنَّمَا الْأُمُور ثَلَاثَةٌ أَمْرٌ بَيْنَ رَشِيدٍ وَ أَمْرٌ بَيْنَ غَيِّهِ فَيَجْتَنِبُ وَ أَمْرٌ مُشْكِلٌ يَرُدُّ عَلَيْهِ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَلَالٌ بَيْنَ وَ حَرَامٌ بَيْنَ وَ شُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَمَنْ تَرَكَ الشُّبُهَاتِ نَجَا مِنَ الْمَحْرَمَاتِ وَ مَنْ أَخَذَ بِالشُّبُهَاتِ ارْتَكَبَ الْمَحْرَمَاتِ وَ هَلَكَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ» راوی در ادامه می پرسد اگر هر دو خبر مشهور بودند چه بادی کرد که امام در این فرض ارجاع به ترجیح به موافقت با کتاب می دهند «قُلْتُ فَإِنْ كَانَ الْخَبْرَانِ عَنْكُمَا مَشْهُورَيْنِ قَدْ رَوَاهُمَا التَّقَاتُ عَنْكُمْ قَالَ يُنْظَرُ فَمَا وَافَقَ حُكْمَهُ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ وَ خَالَفَ الْعَامَّةَ فَيُؤْخَذُ بِهِ وَ يَتْرَكُ مَا خَالَفَ حُكْمَهُ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ وَ وَافَقَ الْعَامَّةَ» راوی در ادامه می پرسد اگر هر دو خبر موافق قرآن بودند ولی یک از آنها موافق و دیگر مخالف عامه بود حکم چیست که امام او را به ترجیح به آنچه مخالف عامه است دستور می دهد «قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ الْفَقِيهَانِ عَرَفَا

١ وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢٧، ص ١٠٦، أبواب أبواب صفات القاضي وَمَا يَجُوزُ أَنْ يَقْضِيَ بِهِ، باب ٩، ح ١، ط آل البيت.

حُكْمُهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ وَ وَجَدْنَا أَحَدَ الْخَبَرَيْنِ مُوَافِقًا لِلْعَامَّةِ وَ الْآخَرَ مُخَالَفًا لَهُمْ بِأَيِّ الْخَبَرَيْنِ يُؤْخَذُ قَالَ مَا خَالَفَ الْعَامَّةَ فِيهِ الرَّشَادُ» راوی فرض می کند که هر دو خبر موافق عامه است یعنی برخی از عامه به مضمون روایت اول و برخی دیگر به مضمون روایت دوم فتوا داده اند در این صورت برای ترجیح چه باید کرد که امام در چنین فرضی حکم به ارجحیت آن خبری که اکثر عامه از آن اعراض نمودن می کنند « فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنْ وَافَقَهُمَا الْخَبْرَانِ جَمِيعًا قَالَ يُنْظَرُ إِلَى مَا هُمْ إِلَيْهِ أُمِيلُ حُكَاةَهُمْ وَ قَضَاتُهُمْ فَيُتْرَكُ وَ يُؤْخَذُ بِالْآخِرِ » در انتها که راوی از فرض تساوی از این جهت سوال می کند امام حکم بمساله را به سوال از امام منوط نموده و حکم به و توقف تا آن زمان می کنند. « قُلْتُ فَإِنْ وَافَقَ حُكَاةَهُمُ الْخَبَرَيْنِ جَمِيعًا قَالَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَرْجُهُ حَتَّى تَلْقَى إِمَامَكَ فَإِنَّ الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَاتِ.»

بنابر این روایت مذکور تنها شامل فرض دسترسی به امام در زمان حضور می شود و در غیر آن حکم به ترجیح نمی شود.

## اشکال به کلام مرحوم آخوند در ترجیح به شهرت

در ترجیح به شهرت تعلیلی ذکر شده است که نسبت به زمان غیبت نیز اطلاق دارد زیرا در این روایت آمده است که «مجمع علیه لا ریب فیه» بنابر این آنچه که در زمان حضور مورد اتفاق و شهرت بوده قطعی است و حتی در زمان غیبت نیز می توان بدان تمسک نمود و قطعی بودن مشهور در زمان ائمه؛ همانطور که در زمان ائمه قطعی است در زمان غیبت نیز مشهور بین فقهای عصر حضور، برای زمان غیبت نیز موجب ترجیح می شود.